



بررسی دگردیسی معرفتی مهدی اخوان ثالث

در نگاه به مکتب رضوی

دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۱

رسول حیدری^۱

چکیده

مهدی اخوان ثالث، شاعر توانای معاصر، از معدود شاعرانی است که با دورویکرد متفاوت درباره امام رضا (علیه السلام) سخن گفته است. مطالعه دفترهای شعری اخوان نشان می‌دهد که وی در دهه‌های نخستین شاعری خود نگاه خوش‌بینانه‌ای به ملزومات بیرونی و نمودهای اجتماعی مکتب رضوی ندارد؛ اما در اواخر دوره شاعری، این تلقی جای خود را به باور و فراتر از آن عشق و ارادت قلبی به مقام امام رضا (علیه السلام) می‌دهد. این دگردیسی در نظام فکری اخوان ثالث به عنوان یک شاعر برجسته و دگراندیش معاصر بسیار حائز اهمیت است و نشان می‌دهد که شعر دگراندیش معاصر نیز از تأثیرات اندیشه رضوی برکنار نمانده است. نظر به اهمیت این موضوع، تحقیق حاضر در پی تبیین چگونگی و چرایی این دگردیسی اعتقادی است؛ به عبارتی در این پژوهش در پی پاسخ به این سؤالیم که تغییر دیدگاه اعتقادی اخوان به جایگاه امام رضا (علیه السلام) چگونه و به چه دلایلی رخ داده است. روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی است. با مد نظر قرار دادن آرا برخی صاحب نظران و با تحلیل اشعار شاعر، نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که دگردیسی معرفتی اخوان بر اساس دو فرضیه «تکامل» و «تناقض» قابل تبیین است؛ بر اساس فرضیه «تکامل»، شاعر با تجدید نظر در مواضع پیشین خود، سیری تکاملی را تجربه کرده و با ارادت به ساحت رضوی، بُعد دینی اعتقادی اندیشه‌اش را به کمال رسانده و بر اساس فرضیه «تناقض»، شاعر تا پایان عمر در حیرت و تناقض معرفتی به سر برده است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، ادبیات معاصر، شعر رضوی، دگردیسی معرفتی، مهدی اخوان ثالث.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان: Heydari.ra@lu.ac.ir

۱. مقدمه

ادبیات معاصر ایران با تمام ویژگی‌های فکری و ساختاری آن، برابندی از جدال تجدّدطلبان دوره مشروطه با نموده‌های سنت ایران کهن است؛ این ادبیات با رویکردی نوگرایانه، انتقادی و تکر خواه تا به امروز فراز و نشیب‌هایی را برای جستن از بسیاری از قیود سنتی پشت سر گذاشته است. در دوره مشروطه، نویسندگان و شاعران بسیاری به پیروی از روشنفکران و دگراندیشان، با پیش کشیدن موضوعات اعتقادی، بسیاری از باورهای عرف دینی و مذهبی را به چالش کشیدند؛ «آنان از یک سو اندیشه‌های ناسیونالیسم ایرانی را تدوین کردند و از سویی تاریخ را به روایت تازه‌تری نوشتند و تا توانستند عراق کردند و افتخارات گذشته را بزرگ و بزرگ‌تر جلوه دادند. آنان در این راستا و برای برانگیختن عواطف ضد استعماری به تحریک عواطف ملی و مذهبی پناه بردند تا به ملت بگویند ما روزگاری ملتی بوده ایم با اقتدار» (آجودانی، ۱۳۹۳: ۱۱۷). نتیجه این امر ظهور شاعران و نویسندگانی چون «میرزاده عشقی» در آن دوران و «اخوان ثالث» در دوره معاصر بود که با تاکید بر ناسیونالیسم ایرانی، منتقد سنت دینی و مذهبی حاکم بر جامعه ایرانی بودند. اگر شاخصه‌های فکری اخوان را در چند مورد انگشت‌شمار خلاصه کنیم، بی‌گمان دل‌مشغولی‌های دینی و اعتقادی از مهم‌ترین آن‌هاست.

یکی از مفاهیم اساسی در حوزه تشیع و از آن میان تشیع ایرانی، «سیره رضوی» و جایگاه امام رضا (علیه السلام) است که تاثیرانکارناپذیری در فرهنگ ایرانی و به ویژه در متون نظم و نثر ادب فارسی داشته است. در ادبیات معاصر نه تنها از این تأثیر کاسته نشده بلکه با نگرش‌های مختلف و شیوه‌های متنوع‌تری نمایان شده است. با وقوع انقلاب اسلامی و پررنگ شدن موضوعات فرهنگی اعتقادی، گروه قابل توجهی از شاعران در حوزه شعر آیینی و ولایی و ادبیات پایداری، با تمرکز بر شخصیت اثرگذار امام رضا (علیه السلام) و پیوند آن با مبحث ولایت، اخلاق و سبک زندگی اسلامی، بیش از پیش بر اهمیت جایگاه سیره رضوی تاکید کردند. با توجه به اهمیت مقام شعری اخوان ثالث در ادبیات معاصر، آگاهی از جهت‌گیری‌های اعتقادی و به خصوص نگرش او به مکتب و فرهنگ رضوی اهمیت ویژه‌ای دارد.

۲-۱. بیان مسئله پژوهش

شعر اخوان علاوه بر توجه به موضوعات مرتبط با ایران باستان و موضوعات اجتماعی و موضع‌گیری‌های سیاسی، منعکس‌کننده برخی اظهارات دینی و اعتقادی اوست. مطالعه آثار او به خصوص مقایسه بین دفترهای اولیه و دفترهای اخیر او نشان می‌دهد که نوعی ناهماهنگی در متن سروده‌های او در نگاه به مقام امام رضا (علیه السلام) و توسل به او و آداب و مناسک مرتبط با این عقیده وجود دارد. وجود این تنوع و تفاوت و علاقه به واکاوی جنبه‌های این تضاد، انگیزه اصلی برای انجام این پژوهش بوده است. از آنجا که برای پی بردن به مشخصه‌های اعتقادی یک شاعر، لازم است منظومه فکری و نظام معرفتی او را به عنوان یک کل در نظر گرفت تا از این طریق به نتیجه مشخص و شفاف‌تری دست یافت، بر این اساس داوری درباره اخوان و اظهارات او راجع به امام رضا (علیه السلام) و ملازمات این عقیده، نیاز به شناخت جهان‌بینی او دارد؛ بر خلاف نگاه معمول که اخوان را شاعری بی‌اعتنا به اعتقادات دینی معرفی می‌کند، وی از جمله شاعرانی است که مقوله دین و مذهب را سخت جدی گرفته است؛ دل‌مشغولی او با دین، حتی در انتخاب نام فرزندان و کتاب‌هایش نیز بی‌تأثیر نبوده است. او بر خلاف شاعری چون شاملو که اساساً منطق دینی را بر نمی‌تابد، به آموزه‌های دینی علاقه‌مند است؛ اما به نظر می‌رسد در گزینش‌های اعتقادی خود دچار نوسان و تشکیک است و در برهه‌های مختلف به آیین‌ها و ادیان مختلفی علاقه‌مند شده است؛ توجه او به زردشت پیامبر ایرانی و باستانی از شناخته‌ترین جنبه‌های تفکر اوست. این دلبستگی، حاصل انس و الفت دیرین و عمیق او با آموزه‌های زردشتی است. از طرفی مزدک نیز مورد ستایش اوست؛ از این جهت که معتقد است که مزدک بر خلاف زردشت که تعالیم‌اش بیشتر اعتقادی و آیینی است، درباره مسائل اجتماعی و تربیتی بیشتر و ملموس‌تر سخن گفته است. وی مزدک را تالی یا به تعبیر خودش «مکمل و مجدد» تعالیم زردشت می‌داند. اندیشه‌های اشتراکی و به تعبیری کمونیستی مزدک مهم‌ترین عامل علاقه‌مندی اخوان به اوست (اخوان، ۱۳۹۰، ت: ۱۵۶). مانی، سومین پیامبری است که اخوان بلافاصله پس از زردشت و مزدک به عنوان پیامبری ایرانی ستوده است؛ بودا، پیامبر هندوان نیز به دلیل ویژگی‌های خاص

شخصیتی، به خصوص روح صوفی منشی و دنیاگریزانه‌اش، سخت مقبول طبع اخوان واقع شده است؛ اما «مزدشت» راهکار نهایی او برای تحقق آمال شاعرانه اوست؛ ترکیبی از نام مزدک و زردشت: «مزدشت، نامی پیوندی است که من از «مزدک و زردشت» آن دو دریا، دو خورشید جاودانه ساخته‌ام، نام شخص خاصی نیست. من چنین اندیشیده‌ام که مزدشت پیوندی و ترکیبی از میوه‌ها و نتایج زیبا، خردمندانه و امروزین اندیشه‌های آسمانی و زمینی زردشت و مزدک تواند بود» (اخوان، ۱۳۸۹ ب: ۳۱۱) آیینی که به گفته خودش یک نفر پیرو دارد و آن خود اوست و در آن دوره اسباب طعنه و سرزنش بسیاری از شاعران و منتقدان را فراهم کرده بود (عظیمی و طیبه، ۱۳۹۳: ۹۳۵).

یکی آزاده مردم، ساده اندیش	ندانم چند و چون مکر و فن‌ها
نه شرقی و نه غربی و نه تازی	همی گویم نه پرچون پر سخن‌ها
راه آزادگر «مزدشت» پویم	نه راه غرب و شرق و راهزن‌ها

(اخوان، ۱۳۸۹ ب: ۱۳۴)

در کنار علاقه‌مندی شاعر به ادیان پیش از اسلام، با مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نسبتاً متضاد درباره دین اسلام مواجه‌ایم. تردیدی نیست که اخوان در سال‌های آغازین شاعری خود، اغلب به هر آنچه «میراث تازیان» است می‌تازد و حتی در مواردی برخی اعتقادات اسلامی یا دست کم شیعی را به چالش می‌کشد؛ با این حال شاعر خود را از هر گونه اتهامی مبرا می‌داند و معتقد است که اظهاراتش از سنخ ستیزه دینی نیست و روی سخن او با اعراب است؛ «اشتباه نکنید آنچه من در این زمینه می‌گویم ربطی به دین اسلام ندارد. هوچی‌ها و مغرضان داد و قال نکنند... مشتت غارتگر و مهاجم عرب از بنی امیه و بنی عباس بودند که به بهانه رواج اسلام، مرتکب چه بسیار جنایت‌ها شدند که روح اسلام از آن بسا که بیزار هم باشد» (همان، ب: ۶۴). برخی از سروده‌های وی نیز به طور کلی انکار ادیان و پیام‌آورانش است و با عصیان همراه است؛ اشعاری چون خفتگان، از آن سوی پایان و مرداب از این سنخ هستند (همان، ۱۳۸۹ الف: ۴۱، ۸۹ و ۱۳۴). او در نگاه به

ادیان، جنبه‌هایی را تأیید می‌کند که همسوبا اخلاق و فضیلت انسانی است؛ به عبارت دیگر، ملاک و معیار او در برتری یک عقیده، میزان توجه به معیارهای انسانی در گفتار و عمل است و به همین سبب، هر نوع جناح‌بندی و فرقه‌سازی مذهبی و ایدئولوژیک را تقبیح می‌کند: «امروز مذهب، خاصه برای کسانی که يك سر و گردن از محیط خود بالاترند و موازیت گذشته را سبک سنگین میکنند، مسئله مهمی نیست، آنچه مهم است شیوه تفکر و بینش آدمیان روشن اندیش است... آنچه مهم است این است که انسان امروز با شَمّ و بینش بشری و اجتماعی، به حقایق زندگی آزاد و شرافتمند امروز آشنا باشد. این‌هاست آنچه مقدّس و شریف است» (همان، ۱۳۴۸: ۱۰۱-۱۰۲).

موضوع حائز اهمیت دیگری که توجه به آن ضرورت دارد، جایگاه اخوان در «شعر آیینی» است؛ عمدتاً در پژوهش‌هایی که درباره شعر اخوان انجام می‌شود سبک و زبان شعری او مورد توجه است و در حوزه فکری نیز باستان‌گرایی و دیدگاه‌های او درباره سیاست و جامعه، بخش پررنگ تحقیقات اخیر را تشکیل می‌دهد اما از منظر «شعر آیینی» سروده‌های اخوان جایگاه درخور توجهی دارد. از این میان، سروده‌های آیینی او درباره مقام و منزلت امام رضا (علیه السلام) هم از نظر کمی، هم از نظر کیفی و استواری سخن، در سطح بالاتری از بسیاری از شاعرانی است که در حوزه شعر ولایی و آیینی مطرح هستند و این مسئله‌ای است که در پژوهش مرتبط با اخوان از آن غفلت شده است.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. سیر تطور فکری و اعتقادی اخوان درباره جایگاه و منزلت امام رضا (علیه السلام) چگونه است؟
۲. دگردیسی معرفتی اخوان را در نگاه به مکتب و فرهنگ رضوی، بر چه اساسی و بنا به چه دلایلی می‌توان تبیین و توجیه کرد؟

۱-۴. اهداف و اهمیت پژوهش

بنا بر مقدمات یاد شده، هدف این پژوهش، بررسی سیر تطوّر معرفتی اخوان در نگاه به مکتب رضوی و نهایتاً تحلیل علل و ریشه‌های دگردیسی و چرخش اعتقادی او درباره امام رضا (علیه السلام) است. به این منظور سعی بر آن است با مقایسه محتوای اشعار و دلالت‌های معنایی آن، همچنین مد نظر قرار دادن تاریخ این اشعار (بر اساس ترتیب چاپ) چگونگی و چرایی این تغییر دیدگاه را دریابیم. این دگردیسی و تغییر از آن جا که متعلق به یکی از شاعران برجسته معاصر است، اهمیت بسزایی دارد و نشان می‌دهد که شعر دگراندیش معاصر نیز از تأثیرات اندیشه رضوی برکنار نمانده است.

۱-۵. روش تحقیق

روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی است؛ در ابتدا شواهد شعری مرتبط با موضوع تحقیق از میان اشعار شاعر، انتخاب شده و در مرحله بعد با استناد به کتاب‌های جنبی دیگری که در تقویت بحث موثر بوده، نقد و بررسی شده است.

۱-۶. پیشینه تحقیق

از پژوهش‌هایی که درباره موضوع این پژوهش صورت گرفته است، می‌توان به این موارد اشاره کرد: توفیقی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «مشهد و عناصر هویتی آن در شعر مهدی اخوان ثالث» به موضوعاتی که در ارتباط با خراسان است و در شعر اخوان بازتاب یافته، پرداخته است؛ موضوعاتی چون روابط شخصی اخوان با مردم خراسان، لهجه مشهدی در شعر اخوان، تأثیرپذیری او از سبک خراسانی و مواردی از این دست. در این میان، حضور امام رضا و حرم رضوی در شعر اخوان به صورت توصیفی و کوتاه بررسی شده است. بادلو، امیراحمدی و عشقی سردهی (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی مولفه‌های اعتقادی در اشعار اخوان ثالث و احمد شاملو از دریچه نظریه بینامتنیت»، تأثیر کلام قرآن و احادیث و روایات را در شعر این دو شاعر بررسی کرده‌اند. بیگ زاده و شاهرخی (۱۳۹۷) در

پژوهش خود با عنوان «تحلیل تقابل واژگانی شعر رضوی دفاع مقدس» با بررسی اشعار رضوی شاعران دفاع مقدس به تحلیل زبانی و ساختاری این اشعار با تأکید بر تقابل زوج‌های واژگانی و معنایی پرداخته و تأثیر آن را در شناخت ساختار متن یادآور شده‌اند. رحیمی زنگنه و بیگ زاده (۱۳۹۷) در پژوهش دیگری در حوزه شعر معاصر با عنوان «جلوه‌های پایداری در مناظره‌های امام رضا (علیه‌السلام) و سروده‌های صفارزاده و گرمارودی» به این نتیجه رسیده‌اند که این دو شاعر، در سروده‌های خود به مفاهیمی چون شجاعت در رویارویی با منکران، آزاد اندیشی، شکیبایی، آگاهی بخشی و مواردی از این دست که در مناظرات امام رضا (علیه‌السلام) نمود دارد، توجه ویژه‌ای داشته‌اند. بیگ زاده و الماسی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های اوصاف رضوی در خراسانی‌های یدالله بهزاد کرمانشاهی» به تحلیل محتوای شعر شاعر پرداخته و با اشاره به فضیلت‌های امام رضاع از زبان شاعر، آن‌ها را دسته‌بندی و بررسی کرده‌اند. بیگ زاده و کیانی (۱۳۹۴) در مقاله «شعشع خورشید خراسان در مثنوی مادر آهوان احمد عزیزی» پیام این مثنوی آیینی را غریب‌نوازی امام رضا (علیه‌السلام) عنوان کرده و آن را نجوای انسان غریب امروزی دانسته‌اند. به طور کلی اغلب پژوهشگران، هر یک از زاویه‌ای به این تأثیرات توجه کرده‌اند و پژوهش مستقلی که به طور خاص به دگردیسی فکری اخوان در نگرش به جایگاه امام رضا (علیه‌السلام) پرداخته باشد، یافت نشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲. بحث

۲-۱. سیر دگردیسی معرفتی اخوان در نگاه به مکتب رضوی

جست‌وجو در دفترهای شعری اخوان، از «ارغنون» تا دفتر «سال دیگر ای دوست ای همسایه» که جدیدترین اشعار منتشر شده اوست، نشان می‌دهد که علاوه بر تشنّتی که عموماً در الهیات او وجود دارد به طوری که هم از دین زردشتی و مزدکی سخن می‌گوید، هم از آیین بودایی، هم از اسلام، مواضع او به طور خاص در نگاه به اسلام نیز یک‌دست

و همسو نیست. از این رو در مواضع او درباره بسیاری از مباحث اسلامی با دورویکرد مواجه ایم: گرایش‌های غیر همسو که اغلب مربوط به دوره جوانی اوست و گرایش‌های همسو که بیشتر مربوط به اواخر دوره شاعری اوست.

مواردی چون عصیان در برابر خداوند، نقد برخی سنن دینی، گرایش به آیین‌های زرتشتی و مزدکی و مانوی، نقد متولیان دینی، می و مستی، تغزل‌های جسمانی و فرودین و موضوعاتی از این دست می‌تواند به عنوان برخی مسائل غیر همسو با معتقدات اسلامی در شعر اخوان بررسی شود. از طرفی موضوعاتی چون ستایش خداوند، بازتاب آیات و مفاهیم قرآنی، تکریم پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام به خصوص امام رضا (علیه‌السلام)، توجه به عرفان اسلامی و... مواردی است که همسو با معتقدات اسلامی است. بسامد بالای موضوعات اخیر در دو دفتر پایانی او، این دگردیسی را تایید می‌کند. از این میان امامت امام رضا (علیه‌السلام)، عظمت و شأن او و بالطبع تقدس حرم و ثواب زیارت مرقد مطهرشان، آداب و ادعیه‌ای که زائران در زیارت مرقد به جا می‌آورند و حتی حرمت زائران امام رضا موضوعاتی است که در دین اسلام و به طور خاص در مذهب تشیع بدان‌ها تأکید شده است. رویکرد اخوان در حیات شعری خود به این مسائل، یک دست نیست و نشان از تکامل معرفتی یا تغییر رویه و دگردیسی در جهان بینی دینی او بخصوص در نگاه به ساحت رضوی دارد. این دگردیسی و فراز و نشیب خاص دیدگاه مذهبی و اعتقادی او نیست و حتی شیوه شعری او را نیز به چند دوره تقسیم کرده‌اند (زرقانی، ۱۳۸۳: ۴۲۶). در یک نگاه کلی، اخوان در دو دوره متفاوت، دو نگاه متفاوت به مکتب رضوی دارد:

۱-۱-۲. دوره نخست؛ نقد و اعتراض

همان طور که پیش تر گفته شد، اخوان در اوایل حیات شعری خود دلبستگی فراوانی به میراث ایران باستان دارد. این دلبستگی گاه در کسوت توجه به اسطوره‌ها و پهلوانان ایرانی است، گاه در علاقه‌مندی به زبان کهن و گاه در دلبستگی به آموزه‌های ادیان ایران باستان و پیامبران‌شان است. تلقی و برداشت اخوان در این دوران، همانند شاعران آرکائیست مشروطه نظیر عارف قزوینی و میرزاده عشقی این است که وفاداری به ایران

باستان در مخالفت و تقابل با باورهای مذهبی رایج روزگارشان نمود و مصداق پیدا می‌کند. از این نظرگاه است که اخوان در این سال‌ها خراسان را با فردوسی و پهلوانان شاهنامه می‌شناسد و توجه کمتری به نفوذ معنوی و جایگاه فرهنگ رضوی در مشهد دارد؛ از طرفی به نظر می‌رسد اخوان همانند بسیاری از شاعران که معمولاً در آثار اولیه خود خط مشی مشخصی در جهت‌گیری های فکری و اعتقادی خود ندارند، تحت تاثیر هیجانات آرمان‌خواهانه دوره جوانی قرار گرفته است.

اشعار این دوره اغلب از دفتر «زمستان» است؛ یعنی دومین دفتر شعری اخوان بعد از ارغنون و حاصل تأملات و عواطف او در سال‌های پرشور جوانی که سال ۱۳۳۵ به چاپ رسید. نقدهای دینی او در این سال‌ها بی‌پروا تر و تند و تیزتر است و به خصوص سروده‌های او در دفتر «ارغنون» نشان می‌دهد که دیدگاه‌های دینی و نظام فکری اش، خالی از مواضع هیجانی و عاطفی نیست. مهم‌ترین و آشکارترین رویکرد انتقادی او، نگاه منفی شاعر به تاثیر بارگاه رضوی بر خراسان آن روزهاست که در دو بیت در دفتر ارغنون آمده است؛ شعری که سال ۱۳۲۶ یعنی در ۱۹ سالگی در مشهد سروده است. اخوان در توضیحات این دو بیت نوشته که خواننده مختار است به جای «عزیزی»، «امامی» به کار برد. مصرع نخستین چنین است: ری دماوندی دارد، همدان الوندی... (اخوان، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۴۷).

بنا به مستندات تاریخی، مراودات فرهنگی امام رضا (علیه السلام) در مرو و توس و منش و رفتار ایشان در سال‌های ورود، مردم آن دیار را مشتاق خود کرد و چهره فرهنگی خراسان را هم در زمان حیات او و هم بعد از شهادت ایشان تغییر داد. خراسان امروز نیز تحت تاثیر وجهه علمی، سیاسی و قدسی اوست تا جایی که سبک زندگی اسلامی در خراسان امروز متأثر از حضور معنوی ایشان است (حسین پور، ۱۳۹۶: ۲۱) با این حال اخوان عصیانگر آن روزها چهره فرهنگی شهر را نمی‌پسندد. در دو سروده از دفتر «زمستان»، نگرش اخوان به اقامه نماز و زیارت حرم مطهر و التزام مردم مشهد به این مقدسات با انتقاد و سرزنش همراه است:

ششصد هزار انسان که بر خیزند و خسبند / با بانگ محزون و کهنسال نقاره / دایم وضو رانو کنند و جامه کهنه / از ابروی خورشید تا چشم ستاره / وز حاصل رنج و تلاش خویش محروم (اخوان، ۱۳۹۰ الف: ۶۸) اخوان این شعر را در شهریور سال ۱۳۳۱، در ۲۵ سالگی در مشهد سروده و ناگفته پیداست که سخن از صدای نقاره حرم و به تبع آن وضو گرفتن مردم برای اقامه نماز است. به نظر می‌رسد تأسف وی از چنین مشاهداتی بیشتر از آنکه به معنی مخالفت با اعتقادات مردم باشد، متوجه این مسئله است که مردمی چنین کوشا در امر دین، در رسیدن به حقوق انسانی و رفع نیازهای مادی خود کاهل و بی‌نصیب‌اند. در شعری دیگر به نام «خفته» دقیقاً با مضمونی مشابه شعر قبلی مواجه‌ایم: توصیفی تیره از صدای نقاره و اذان و سخن از غفلت و انفعال مردم: آمد مرا به گوش غریوی که می‌کشید / نقاره با تغنی منحوس و دلخراش / ناقوس شوم مرده دلان است کز لحد / سر بر کشیده‌اند به انگیزه معاش / ... / توأم به این سرود پر ابهام مذهبی / در آسمان تیره نعیب غراب‌ها / گفתי ز بس خروش که می‌آمدم به گوش / «غلتان شدند از بر البرز آب‌ها»... (همان: ۶-۳۳)

با اینکه اخوان اهل مشهد است و بارها از تعلق خاطر خود به خراسان سخن گفته و از بزرگان آن دیار، از مرادش فردوسی گرفته تا ادبایی چون محمود فرخ، گلشن آزادی، عماد خراسانی و دیگران به نیکی یاد کرده، اما در مقاله‌ای با عنوان «توس دیروز، مشهد امروز» از تعصب و جهل عده‌ای انتقاد کرده است (اخوان، ۱۳۸۴: ۲۱۵) در شعر «نظاره» از دفتر «زمستان» هم که در همان شهریور ۱۳۳۱ در مشهد سروده، با نگاهی تیره و منفی، تلقی مذهبی و سنتی مردم خراسان را نقد کرده است: باز فتادم به خراسان مرگبار / غمزده، خاموش، فروخفته، خصم کام / دزدی و بیداد و ریا اندر آن حلال / حریت و موسیقی و می در آن حرام (همان: ۶۵).

نگاه اخوان در این سال‌ها اومانیستی است و اساساً اعتقادی به قدسیّت نقاره و زیارت و نظایرش ندارد. حتی به ادیان نیز با ننگه انسانی می‌نگرد؛ زردشت را می‌پسندد چون گمان او این است که به آزادی انسان ارج نهاده (همان، ۱۳۸۹ ب: ۱۳۴ و ۱۵۷) و مزدک را می‌ستاید چون به زعم او به برابری و اشتراک منافع انسان‌ها رای داده است (همان، ۱۳۹۳،

ج ۳: ۱۶۳ و ۲۳۸) و مانی و بودا را به دلیل ترویج اخلاق انسانی شایسته درود می‌داند (همان، ۱۳۸۴: ۱۰۱ و ۱۶۶). این نوع اعتراضات روحیه غالب اخوان در طرح اینگونه مسائل است. اخوان اعتقاد دارد که «ارج از سودمندی خیزد و زیبایی هر کار انسانی» (همان، ۱۳۹۰ ب: ۶۱-۶۰) و این شعار همیشگی او در برخورد با این مسائل است. در مؤخره «از این اوستا» نیز همین عقیده را می‌بینیم: «به نظر من هیچ امری «ثابت و مقدّس» نیست مگر آنکه برای زندگی عالی روحی، سودمند و لازم باشد. برای یک «شرف طبیعی» لازم باشد، مسلماً بسیاری و شاید تمام قیود و سنّت‌هایی که ما داریم و به تحمیل بر جامعه ما جاری و حاکم است، غیر لازم و عبث و نابهنجار است» (همان، ۱۳۹۰ ت: ۱۶۰) با این نگاه و طرز تلقی است که بسیاری از مقدّسات برای او رنگ می‌بازد و آن‌ها را از مقوله امور «غیرلازم و نابهنجار» می‌داند.

۲-۱-۲. دورهٔ پسین؛ ستایش و ارادت

این دوره، سال‌هایی را شامل می‌شود که شاعر، مکتب رضوی را به عنوان اصلی مهم و تاثیرگذار می‌پذیرد و پای فراتر نهاده، به دفاع از مقام امام رضا (علیه السلام) می‌پردازد. اخوان تعریف خاص و متفاوتی از «شعر» دارد که می‌توان این تحوّل فکری را بر اساس این تعریف تبیین کرد؛ او معتقد است که «شعر محصول بی‌تابی‌های آدمی است در لحظاتی که آدمی در پرتو شعر برتر و شعور نبوت قرار می‌گیرد» (همان، ۱۳۸۲: ۳۹۴). آنچه پیوند دهنده ستایش‌های اخوان از امام رضا (علیه السلام) با این تعریف است، تأکید او بر «آفرینش شعر در لحظه‌های بی‌تابی» است؛ لحظه‌هایی که شاعر به شعور و دریافتی می‌رسد که او را وادار به آفرینش شعر می‌کند؛ از بین چهار سروده اصلی او در ستایش امام رضا (علیه السلام)، دست کم دو شعر (یا علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و علی بن موسی الرضا ای شهی ...) که از نظر کمی هم غالب اشعار او را در ستایش امام رضا (علیه السلام) تشکیل می‌دهد، به نحو روشنی حاکی از نوعی بی‌تابی و درماندگی است؛ لحظه‌هایی که شاعر در معرض همان یافت و شعور متعالی قرار گرفته و نتیجه آن آفرینش این اشعار شده است. اخوان در مقدمهٔ یکی از این اشعار، سروده خود را «شکوا و توّسل» دانسته نه «لقلقه لسان» که در واقع تأییدی

است بر اینکه این سروده‌ها در «لحظات بی تابی» رخ داده است. بر این اساس شاعر در این دوره با «شعور» و یافتنی متعالی و متفاوت از دوره اول به منزلت و مقام رضوی نگریسته است.

اگر بخواهیم بر اساس ترتیب انتشار دفترهای شعری اخوان استدلال کنیم، یافته‌ها نشان می‌دهد تقریباً همه سروده‌هایی که شاعر به تأیید و تمجید اسلام و تشیع و بزرگان دین پرداخته دو دفتر اخیر اوست؛ به علاوه مقاله‌ای با عنوان «آیات موزون افتاده قرآن کریم». در تاریخ ادبیات ما بسیاری از شعرا و عرفا نظیر ناصر خسرو، سنایی، عطار و حتی در دوره معاصر شاعری چون شهریار، در نیمه راه زندگی و تجدید نظر در برخی باورها، به مسائل اعتقادی رغبت بیشتری نشان داده‌اند. به نظر می‌رسد اخوان نیز از این حکم مستثنی نیست. تأمل در آثار اخیر او (به خصوص در دفترهای دوزخ اما سرد، در حیاط کوچک پاییز در زندان و زندگی می‌گوید اما باید زیست) از نوعی تغییر در جنبه‌های فکری و معرفتی او پرده بر می‌دارد. این تغییر بیشتر از آنکه در ساحت زبان باشد، به چگونگی درک او از هستی بر می‌گردد؛ اخوان آتشین دم پر جوش و خروش، در این دوره به شاعری آرام و اندیشمند بدل می‌شود. شعله‌های سرکش شعرش فرو می‌نشیند اما شعور هستی‌شناسانه‌اش رنگ پختگی می‌گیرد. «موضوعاتی چون رابطه انسان و خدا، زروانیسم، اسلام و تشیع، مرگ اندیشی و مواردی از این دست موضوعات برجسته و وجه غالب اندیشگی سروده‌های اخیر اوست» (حیدری، ۱۳۹۳: ۲۹) توجه به امام رضا (علیه السلام) و ارادت به ساحت او نیز محصول تحول فکری او در این دوران است. اخوان در این سال‌ها شاعری است آرام و معتقد که در کسوت شاعری مسلمان و حتی شاعری سخت‌دل بسته به تشیع سال‌های پایانی شاعری‌اش را سپری می‌کند؛ برای مثال در مقاله «آیات موزون افتاده قرآن کریم» از اینکه کفار پیامبر را «شاعر» می‌نامند اظهار ناخرسندی می‌کند و از مقام نبوت دفاع می‌نماید (اخوان، ۱۳۷۳: ۱۹۴). در دفتر «تورا ای کهن بوم و بر...» نیز برخی از اشعار او، ترجمه‌های منظوم او از کلام حضرت علی (علیه السلام) است. ماجرای اندوهبار کربلا و شهادت امام حسین (علیه السلام) نیز که بازتاب گسترده‌ای در شعر فارسی داشته، در دل مهدی اخوان ثالث هم‌راه گشوده و او را به دفاع از حقانیت حسین بن علی (علیه السلام) و همدردی با او واداشته است. (همان، ۱۳۸۴: ۲۹۲).

اما از بین ائمه، حضرت رضا (علیه السلام) از آن جهت که در مشهد مدفون هستند و اخوان بیش از دیگر بزرگان دین به ایشان پرداخته، حائز اهمیت است. اخوان در این سال‌ها، از شدت وحدت اعتراضات و جبهه‌گیری‌های اعتقادی خود کاسته و هم‌گام با معتقدات مذهبی مردم خود، بیش از پیش ارادت خود را به ائمه دین به خصوص امام رضا (علیه السلام) نشان داده است. در تک‌بیتی که در راه مشهد سروده است، ارادت او آشکار است:

در ره توسم چه باک از برف و آتش آید سالک راه رضا هر چه پیش آید خوش آید!

(همان، ۱۳۸۹ ب: ۳۵۴)

از مهم‌ترین سروده‌های اخوان در مدح و منقبت حضرت امام رضا (علیه السلام) سروده‌ای است که تا سالهای اخیر در دفترهای او چاپ نشده بود. یکی از این سروده‌ها در کتاب «نامی و نامه‌ای از مهدی اخوان ثالث» به وسیله جعفر پژوم منتشر شده که به گفته مولف کتاب، شعر را مزدک علی، پسر اخوان، در اختیار او قرار داده است (پژوم، ۱۳۸۱: ۱۰). این سروده که در مهر سال ۶۱ سروده شده بود، برای اولین بار سال ۹۳ در دفتر «سال دیگر ای دوست ای همسایه» منتشر شد. علت تأخیر در انتشار این شعر هم خود موضوعی قابل بررسی است. محتوای شعر از اعتقادی راستین و درونی اندوهناک حکایت می‌کند و با روحیه و فضای شعری دفترهای قبل شاعر تفاوت دارد. برخی سطرهای این سروده: ای علی بن موسی الرضا! ای پاکمرد یثربی! در توس خوابیده / من تو را بیدار می‌دانم / زنده‌تر، روشن‌تر از خورشید عالم‌تاب / از فروغ و فرّ شور و زندگی سرشار می‌دانم / ... / ای (چو بختم) خفته در آن تنگنای زادگاهم توس / - درکنار دون تبهکاری که شیر پیر پاک آیین، پدرت / آن روح رحمان را به زندان گشت - / من تو را بیدارتر از روح و راه صبح، با آن طره زرتار می‌دانم / ... / مهربان خورشید تابنده! / این غمین همشهری پیرت / این غریب ملک ری، دور از تو دلگیرت / با تو دارد حاجتی، دردی که بی شک از تو پنهان نیست / وز تو جوید (در نمایی) راه و درمانی / جاودان جان جهان! خورشید عالم‌تاب! / این غمین همشهری پیر غریبت را، دلش تاریک تر از خاک / یا علی موسی الرضا! دریاب! / چون پدرت این خسته دل

زندانی دَرَدی روان گُش را / یا علی موسی الرضا دریاب! درمان بخشش! / یا علی موسی الرضا دریاب! (اخوان، ۱۳۹۳: ۲۸).

سروده بالا در تعارض تام با اشعاری است که در بخش دوره نخستین شاعر آمد که چرخش فکری را آشکار می‌کند. علاوه بر این سروده، قطعه‌ای بلند نیز در ابتدای کتاب «دفترهای زمانه» (بدرودی با مهدی اخوان ثالث و دیدار و شناخت م. امید) (طاهباز، ۱۳۷۰: ۱۱-۱۳) و با دستخط خود اخوان آمده که سال ۹۳ در آخرین دفتر شاعر (سال دیگر ...) منتشر شده است. طاهباز در چند و چون این قطعه توضیحی نداده؛ اما پس از چاپ در دفتر اخیر، اخوان دو صفحه توضیح بر آن افزوده است. در ابتدای این مقدمه، دلبستگی و ارادت خالص شاعر به ساحت حضرت رضا (علیه السلام) و تغییر بنیادین در نظام معرفتی او آشکار است: «شکوا و توسلی است به حضرت امام علی بن موسی الرضا، درود بر او، درود پاکان و نیکان، نه لقلقه لسان هر ریش مصلحتی ناپاک درون که دور باد از امام شهر ما خراسانیان» (اخوان، ۱۳۹۳: ۱۴۵) برخی از ابیات این قطعه:

علی بن موسی الرضا ای شهی	که بر درگهت کوس دولت زنند
شهی کو جبین بر زمینت نسود	بر او ز آسمان داغ نکبت زنند
حسودانم از مکمن حقد و خبث	سنان جفا، تیر طعنت زنند
به نام تو آراستم این سرود	کز آن سگه سر صفوت زنند
مهل یا علی بن موسی الرضا	که بر کشت من سم و آفت زنند
تو از آن مایی و ما زان تو	گواهان بر این، مهر صحت زنند
الایا علی بن موسی الرضا	که صبح و شب کوس حشمت زنند
بسا پنج نوبت زنان بر درت	پشیمان، سر ترک و نوبت زنند
تو هشتم امامی، دو نوبت کم است	بگو دست کم هفت نوبت زنند

(همان: ۱۴۷)

در فروردین ۶۷ اخوان «بیمار گونه و گریزان از بمب و موشک جنگ تحمیلی» به توس می‌رود و به محض ورود قصیده‌ای می‌سراید. این قصیده با همان سبک و سیاق خراسانی است و پس از بهاریه با مدح امام رضا (علیه‌السلام) و نهایتاً هجو صدام پایان می‌یابد. برخی ابیات:

از ری ز مهلک جنگ، جستم به مأمن توس در زادبوم خودم، بهتر امان و ضمان
در ظلِّ بوالحسنم، هشتم امام همام حبل‌المتین درش، ملجای معتصمان
همنام و نسل علی، آن برترِ ازلی سالار لم یزلی، زو محرم حرمان

(همان: ۱۲۹)

از نظر زمانی، آخرین شعری که از اخوان درباره امام رضا (علیه‌السلام) منتشر شده، سه بیت است از قصیده‌ای ناتمام که تاریخ سرایش آن اردیبهشت ۶۷ است. مانند ابیات فوق، سخن از بازگشت به توس (مشهد) است و اظهار ارادت به امام رضا (علیه‌السلام):

بعد چل سال که ری داشت چو محبوس مرا می‌کشد خاک، دگر باره سوی توس مرا
کاش ز آغاز نمی‌آدم از توس به ری که به انجام نبود این همه افسوس مرا
من که دست پدر خویش نمی‌بوسیدم مشهد توس فراخواند به پابوس مرا

(همان: ۱۱۳)

۲-۲. واکاوی زمینه‌ها و علل دگردیسی معرفتی در اندیشه رضوی اخوان

در بررسی زمینه‌ها و علل این دگردیسی می‌توان قائل به دو دیدگاه شد؛ «تکامل» یا «تناقض». بر اساس فرضیه تکامل باید گفت که بر اساس ترتیب تاریخی سروده‌هایی که در آن باور به مکتب رضوی که البته بیشتر نمود بیرونی و برخی آداب و مناسک را شامل می‌شود، کم‌رنگ است مربوط به دوره جوانی شاعر است و ستایش‌ها و ارادت‌های او به امام رضا (علیه‌السلام) در آخرین دفترهای او نمود می‌یابد. بر این اساس می‌توان گفت

که شاعر پس از اندیشیدن و چند و چون کردن دربارهٔ برخی اعتقادات دینی و مذهبی به خصوص تعالیم رضوی، تغییر رویه داده و منفی‌نگری و ستیزه‌هایش به خشوع و تسلیم و اظهار ارادت بدل شده و به نوعی اندیشهٔ دینی او به «تکامل» رسیده است. این احتمال، امر بعید و دور از ذهنی نیست. بسیاری از بزرگان در برهه‌ای از عمر، در باورهای خود تجدید نظر کرده و رفتاری متفاوت پیش گرفته‌اند. شکست‌های اخوان در زندگی شخصی، ناامیدی او از تغییرات مثبت اجتماعی که دفتر «آخر شاهنامه» نمود آشکار آن است و مهم‌تر از همه یأس فلسفی و معرفتی از عوامل اصلی در این چرخش فکری است. مورد اخیر یعنی یاس فلسفی و مشغولیت ذهنی او به ماهیت و فرجام زندگی در آثار او نمود آشکاری دارد. بسیاری از اشعار او حاوی دغدغه‌های فکری و هستی‌شناسانه‌ای است که اگر چه نگاه عمیق فلسفی در آن نیست و نحوهٔ ورود و خروج او به مباحث فیلسوفانه نیست؛ اما حکایت از روح جست‌وجوگری دارد که به دنبال یافتن راه حلی برای معمای هستی است. در اشعاری مانند نماز، سبز، ماجرا کوتاه، و ندانستن، درخت معرفت، روی جاده نمناک، او هست هست، صدا یا خدا، ای خدا خواننده خود آ، با نوعی تأملات فیلسوفانه یا به تعبیری «نیم فیلسوفانه‌ای که صدمه‌ای به جانب شعر ندارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۵۲) مواجه‌ایم. به هر روی این عوامل شاعر دل‌شکسته را به نیروی ماورایی نیازمند کرده و مایه آفرینش اشعاری شده است که تسلیم و نیاز و دردمندی رنگ اصلی آن است و از آن جمله دو شعری که در بخش «دوره پسین» آمده و شاعر به ساحت رضوی متوسل شده است. بنا بر این فرضیه شاعر سیر تکاملی داشته است.

فرضیهٔ دیگر در این زمینه «تناقض» است؛ با در نظر گرفتن جهت‌گیری‌های معرفتی مختلفی که اخوان در زندگی داشته، نظیر دلبستگی به زرتشت و مزدک، ابداع مفهومی به نام «مزدشت»، علاقه به بودا، نقد برخی باورها اسلامی و از آن میان منفی‌نگری‌های او در نگاه به مکتب و اندیشه رضوی و نهایتاً بازگشت دوباره و تکریم پیامبر اسلام و ائمه بالاخص امام رضا (علیه‌السلام) می‌توان این تشنّت فکری و پراکندگی خاطر را به وضوح مشاهده کرد. شفیع کدکنی در کتاب حالات و مقامات م. امید

به تناقض اندیشگی اخوان اعتقاد دارد؛ «اخوان در حوزه الهیات حالات گوناگون داشت؛ مثل یک روز بهاری بارانی و آفتابی با طیف‌های بی شمار رنگ‌هایش، از دشمنی بی امان با هر چه میراث تازیان است تا عشق به حضرت رضا علیه السلام و دفاع از تشیع به عنوان یک آرمان ایرانی درخشان» (همان: ۹۵). در جای دیگری ارزش هنری سروده‌های او را در گرو همین زیگزاگ‌های الهیاتی و تناقضات دینی می‌داند: «به زبان ساده می‌توانم بگویم که هیچ شعر حزبی یا مذهبی خالص تاکنون ندیده‌ام که ارزش هنری هم داشته باشد. بی‌گمان اگر شعر مذهبی ای که ارزش هنری داشته باشد، یافت شود، به ناگزیر صبغه‌ای از عرفان و گاه زندقه در آن وجود دارد و این لازمهٔ خلاقیت هنری است. من این نکته را از زندگی با اخوان آموختم» (همان، ۱۳۹۰: ۵۵۳). به هر روی چه این دگردیسی را سیری تکاملی بدانیم و چه برخاسته از تناقض در مواضع شاعر، باید اذعان کرد که شاعر در همه عمر گرفتار حیرتی مبارک بوده؛ نوعی سرگشتگی و شیدایی که در طلب حقیقت ماورایی این جهان، او را در هر برهه ای از عمر پای بند دینی و مسلکی می‌کرده است:

ای درخت معرفت جز شک و حیرت چیست بارت

یا که من باری ندیدم غیر از این بر شاخسارت

حاصلی جز حیرت و شک میوه‌ای جز شک و حیرت

چیست جز این؟ نیست جز این؛ ای درخت پیر بارت

(اخوان، ۱۳۸۹ ب: ۷-۱۳۶)

به همین دلیل نمی‌توان تناقض فکری اخوان را به لاقیدی تعبیر کرد. دلبستگی او به زردشت برخاسته از حسن ظنی است که به پیامبر ایران باستان دارد تا بتواند از این رهگذر پاسخی برای پرسش‌های الهیاتی خود بیابد. مزدک را به دلیل عدالت‌طلبی و مانی و بودا را از آن جهت که پیامبرانی اخلاق‌گرا می‌داند، می‌ستاید و در همه حال فطرت او جست‌وجوگر نیرویی متعالی است؛ «من از آن کسانم که نمی‌توانم آزاد و پله و بی‌ایمان و آماج باشم. سرشت من چنین است که نمی‌توانم هر دمبیل و ولنگار

و بیراه باشم. باید به امری مقدّس و بزرگ و خیال می‌کنم شاید عالی و بشری ایمان داشته باشم. این ایمان به منزله جان من است» (همان، ۱۳۹۰: ۱۶۱). همان طور که پیش‌تر گفته شد، اخوان همانند بسیاری از بزرگان در برهه‌ای از عمر متحوّل می‌شود؛ اما این بدین معنا نیست که در این سیر تکاملی از الحاد به ایمان می‌رسد، بلکه از ایمان به ادیان باستان به باورهای اسلامی میل می‌کند؛ بهاء‌الدین خرمشاهی به عنوان یک قرآن‌پژوه «درد دین» را صفت همیشگی او تا لحظه مرگ دانسته است: «اخوان هرگز داعیه شریعتمداری و شریعت‌پناهی نداشته است اما درد دین و دغدغه دینی داشته است» (خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۲۲۱).

۳. نتیجه‌گیری

بررسی کارنامه شعری اخوان نشان می‌دهد که وی در حیات شعری خود مواضع متنوع و متفاوتی در مواجهه با عقاید اسلامی و شیعی دارد؛ از این میان، بررسی سیر سروده‌های شاعر، از سوگیری‌های متفاوت و متضاد او در قبال مکتب رضوی و به خصوص نمود بیرونی و آداب و مناسک مرتبط با این اعتقاد پرده بر می‌دارد. کشمکش فکری اخوان، نهایتاً به نوعی دگردیسی معرفتی منجر شده است؛ به طوری که دو دوره متفاوت در جهت‌گیری‌های دینی او می‌بینیم؛ دوره نخستین با رویکردی منتقدانه و دوره پسین با رویکردی ستایشگرانه. این تغییر در مواضع را می‌توان بر دو اساس تبیین کرد: نخست بر اساس فرضیه «تکامل»؛ به این معنی که شاعر با تجدید نظر در مواضع پیشین خود، سیری تکاملی را تجربه کرده و با اظهار ارادت به ساحت رضوی، بُعد دینی اعتقادی اندیشه‌اش را به کمال رسانده است؛ این فرضیه در صورتی باورپذیر است که زندگی شاعر و سیر شاعرانه او را با تجاربی از نوعی ندامت یا طرد منفی نگری یا بلوغ معرفتی ملازم بدانیم. با این حال اگر زندگی شاعر را به شکل خطی ببینیم و قوس صعود و نزول و آغاز و پایانی برای آن متصور نباشیم بلکه دایره‌ای ببینیم که همه نقاط تیره و روشن را در خود جمع کرده، لازم است که نظام فکری شاعر را بر اساس فرضیه

«تناقض» تبیین کنیم؛ بر این اساس، شاعر تا پایان عمر نتوانسته دیدگاهی یک‌سویه و یک‌دست درباره مکتب رضوی و لزوم و ضرورت آن داشته باشد و در حیرت و تناقضی معرفتی به سر برده است.



منابع و مأخذ

- آجودانی، ماشالله. (۱۳۹۳). *یا مرگ یا تجدید*؛ دفتری در شعر و ادب مشروطه. تهران: نشر اختران.
- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۴۸). *بهترین امید (برگزیده عقیده و نثر و شعر)*. تهران: آگاه.
- _____ (۱۳۷۳). *حریم سایه های سبز ۲ (مجموعه مقالات اخوان)*. زیر نظر مرتضی کاخی. تهران: زمستان.
- _____ (۱۳۸۲). *صدای حیرت بیدار؛ گفتگوهای اخوان*. زیر نظر مرتضی کاخی. تهران: زمستان و مروارید.
- _____ (۱۳۸۴). *حریم سایه های سبز ۱ (مجموعه مقالات اخوان)*. زیر نظر مرتضی کاخی. تهران: نشر زمستان و مروارید.
- _____ (۱۳۸۸). *ارغنون*. تهران: زمستان.
- _____ (۱۳۸۹ الف). *آخر شاهنامه*. تهران: زمستان.
- _____ (۱۳۸۹ ب). *تورای کهن بوم و بردوست دارم*. تهران: مروارید و زمستان.
- _____ (۱۳۹۰ الف). *زمستان*. تهران: زمستان.
- _____ (۱۳۹۰ ب). *سه کتاب (در حیاط کوچک پاییز در زندان، زندگی می گوید اما باید زیست، دوزخ اما سرد)*. تهران: زمستان.
- _____ (۱۳۹۰ ت). *از این اوستا*. تهران: زمستان.
- _____ (۱۳۹۳). *سال دیگر ای دوست ای همسایه*. تهران: زمستان.
- پژوم، جعفر. (۱۳۸۱). *نامی و نامه ای از مهدی اخوان ثالث*. تهران: سایه.
- حیدری، رسول. (۱۳۹۳). «تأملات فلسفی و هستی شناسانه در شعر مهدی اخوان ثالث». *فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی*. س ۴. ش ۱۲. صص: ۲۹-۴۴.
- خرمشاهی، بهاء الدین. (۱۳۷۶). *در خاطره شط*. تهران: جاویدان.
- زرقانی، مهدی. (۱۳۸۳). *چشم انداز شعر معاصر ایران*. تهران: نشر ثالث.
- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰). *با چراغ و آینه؛ در جستجوی ریشه های تحول شعر معاصر ایران*. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۱). *حالات و مقامات م. امید*. تهران: سخن.
- طاهباز، سیروس. (۱۳۷۰). *دفترهای زمانه؛ بدرودی با مهدی اخوان ثالث و دیدار و شناخت م. امید*. تهران: ناشر: گردآورنده.
- عظیمی، میلاد؛ طیبه، عاطفه. (۱۳۹۳). *پیر برنیا نندیش*. تهران: سخن.